

تبلیغ عدم خشونت بدون روشنگری، افشاگری و نافرمانی مدنی، بی عملی و انفعال محض است

پس از حمله اعراب، یورش مغول و قتل عام صفویان برای جا انداختن شیعه در ایران، جمهوری اسلامی یکی از خشن ترین حکومت علیه مردم، اقلیت های قومی و مذهبی و سازمان ها و احزاب سیاسی ایران است. خشن ترین، سازمان یافته ترین، برنامه ریزی شده ترین خشونت در همه سطوح جامعه با به کارگرفتن همه امکانات فنی و مالی دولتی، جمهوری اسلامی را در نوع خود در جهان بی بدیل کرده است.

جنبش موسوم به جنبش سبز، به درستی بر عدم خشونت در مبارزه علیه رژیم، تاکید دارد. ولی همه جنبش های خشونت پر هیزی که دستاوردی داشته اند، از گاندی تا مارتین لوتر کینگ تا نلسون ماندلا، عدم خشونت را با افشاگری، روشنگری و نافرمانی مدنی همراه کرده اند. اما جنبش سبز با تاکید درست بر عدم خشونت و تکیه بر رای مردم از یک سوی، و سوی دیگر، اجتناب از افشاگری، روشنگری و نافرمانی مدنی، جنبش مردم ایران را به انفعال و بی عملی نزول می دهد و برای حاکمان فرصت می خورد.

سرمداران جنبش سبز به ویژه در موارد کلیدی زیر سکوت رضایتمند اختیار کرده اند:

قانون اساسی

یکی از عمده ترین مانع پایگیری دموکراسی در ایران قانون اساسی جمهوری اسلامی است. قانون اساسی با به رسمیت شناختن نهاد رهبری ماورای قوانین و باز گذاشتن دست گروهی در کنار گذاشتن کاندیداها و تصویب نکردن صلاحیت برخی منتخب های مردم با اغراض سیاسی، عملن انتخابات را از هر محتوایی خالی کرده است و مبارزه انتخاباتی در ایران را به بن بست مخرب کشانده است.

خشونت

با الهام از تعلیمات خمینی، مردم ایران در سه دهه اخیر یکی از مخوف ترین رژیم های جهان را تجربه کرده اند. این خشونت سازمان یافته هر سازمان یا حزبی که بتواند بخشی از مردم را نمایندگی یا رهبری کند، هر فردی را که بتواند نظرات بخش از مردم را منعکس کند و یا هر فرد و سازمانی که بتواند این رژیم مخوف را در جهان رسوا و ایزوله کند، از بین برده است. در این راستا است که جنبش های مردم در کردستان و ترکمن صحرا به خاک و خون کشیده شد و پروژه های قتل عام زندانیان سیاسی، قتل های زنجیره ای، قتل رهبران سیاسی چون قاسملو، صادق شرفکندی، شاپور بختیار، داریوش فروهر و هنرمندانی چون محمد مختاری و فریدون فرخزاد و صدها نفر از سوی بالاترین مقامات جمهوری اسلامی سازمان داده شد.

به این خشونت عمودی (خشونت دولت بر مردم)، باید خشونت افقی (خشونت مردم بر مردم) را که به صورت ناامنی وسیع اجتماعی و خشونت بین مردم نیز اضافه کرد.

جنگ

خمینی در تحریک شروع جنگ ایران و عراق و ادامه لجوجانه هفت ساله پس از فتح خرمشهر یکی از مرگبارترین ضربه را به اقتصاد، محیط زیست و مردم ایران زده است. جنگی که پیامد مخرب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی آن، سالهای درازی بر جامعه ما سنگینی خواهد کرد.



چند نکته در این بریده روزنامه قابل توجه است: نخست تاریخ انتشار آن که 5 ماه قبل از حمله صدام به ایران، یعنی 30 فروردین 1359 است. دوم اینکه مدیریت وقت روزنامه حجت الاسلام سید محمد خاتمی و شمس الواعظین هستند.

محیط زیست

ایران از نظر شاخص های پایداری محیط زیست با کسب رتبه 132 در بین 146 کشور جهان، در انتهای جدول جهانی قرار دارد. سالانه ۲۰ میلیون تن فاضلاب تصفیه نشده به آب های داخلی، دریای خزر و خلیج فارس سرازیر می شود. روزانه بیش از ۴۵ هزار تن زباله در شهرهای کشور تولید می شود که این رقم به جز تولید زباله در روستاها و بخش صنعت کشور است. در هر سال دو میلیون تن خاک دچار فرسایش می شود. هر سال حدود ۲/۱ میلیون بشکه نفت معادل ۱۶۰ هزار تن در آب های خلیج فارس وارد می شود.

۵۰ درصد پستانداران و ۲۰ درصد پرندگان ایران در معرض تهدید و انقراض قرار دارند و جمعیت حیات وحش حتی در پارک های ملی به شدت کاهش یافته است.

حدود ۱۶۳ رودخانه آلوده در کشور شناسایی شده که درصد آلودگی 60 تا 70 تای آنها به بالاترین میزان آلودگی رسیده است.

میزان پوشش جنگلی ایران، در سال ۱۳۴۰ حدود ۱۸ میلیون هکتار بود که هم اکنون به ۷/۱ میلیون هکتار تقلیل یافته است. به عبارت دیگر، ظرف ۴۵ سال، حدود ۳۵ درصد کل پوشش جنگلی نابود شده است.

ایران پس از چین و هند رتبه سوم را در برداشت بیش از حد از منابع آب زیرزمینی دارد. ایران به طور متوسط سالانه پنج میلیارد مترمکعب آب بیش از ظرفیت لایه های آبدار زمینهای کشور، از آنها بهره برداری می کند. از اینرو سطح آب زیرزمینی در سراسر کشور به شدت کاهش می یابد.

اقتصاد

جمهوری اسلامی با باز گذاشتن دست دلالتان و عدم حمایت جدی از کشاورزی، دامپروری و صنعت ایران، جامعه ایران با بحرانی ژرف روبرو کرده است. پیامد این عدم تدبیر نابودی شبکه های تولیدی، تورم لجام گسیخته و بیکاری میلیونی است.

انقلاب فرهنگی و پاکسازی ها

انقلاب فرهنگی و پاکسازی های پس از آن که تا امروز ادامه دارد، ضربه جبران ناپذیر به فرهنگ، آموزش و پرورش و اقتصاد ایران زده است. سرمایه ای بسیار بزرگ و مغزهای سازنده

و متخصصان ماهر کشور را ترک کردند و امروزه در سراسر گیتی مشغول تحقیق، تدریس و سازندگی هستند. متخصصانی که با پول مردم ایران مهارت یافتند و در خدمت مردم دنیا هستند.

چکیده

اگر بخواهیم خلاصه کنیم: در نبود اپوزیسیونی کارا، که خود نتیجه سرکوب خشن و نابود کردن بسیاری از احزاب و سازمان ها و به قتل رساندن شخصیت ها از سوی جمهوری اسلامی است، بخش بزرگی از جوانان، روشنفکران و مردم امید به جنبش سبز بسته اند. سردمداران جنبش سبز نه تنها با مشروعیت طلبی از یک نظام نامشروع با تناقضی بزرگ نقض غرض می کنند، بلکه با تکمیل نکردن جنبش عدم خشونت با افشاگری، روشنگری و نافرمانی مدنی، دست دشمن را باز و به او فرصت مانورهای مرگبار می دهند.

احد قربانی
تیر ماه 1390

ahad.ghorbani@gmail.com

<http://ahad-ghorbani.com/>

<http://www.facebook.com/ahad.ghorbani.dehari>